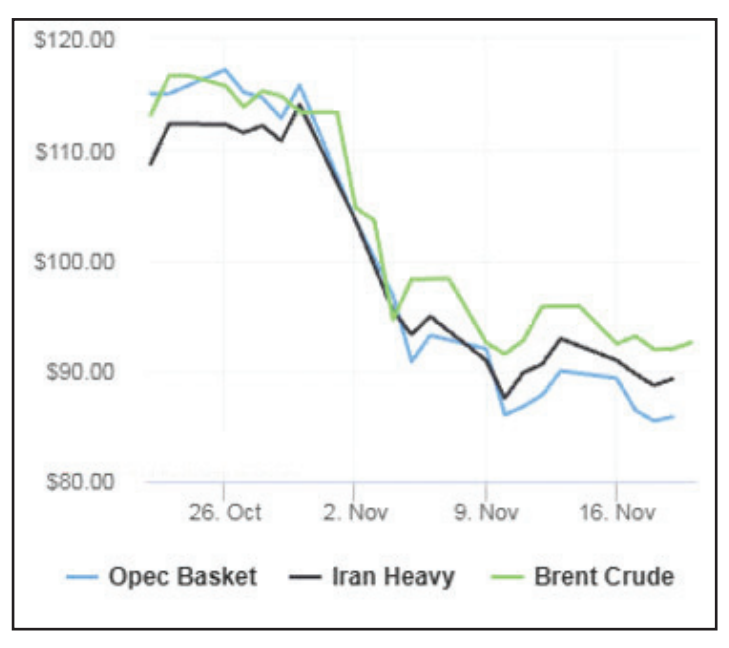
تحلیل

قیمت نفت در دامنه‌ای محدود حبس شد



قیمت نفت در معاملات روز جمعه بازار جهانی کاهش یافت و در شرایطی که بازار به نشانه‌های بهبود عرضه جهانی نفت خام متمرکز شد، با سومین کاهش هفتگی متوالی روبه‌رو شد. به گزارش ایسنا، در معاملات پرنوسان، قیمت معاملات آتی نفت خام برنت برای تحویل در ژانویه با ۰.۶ درصد افزایش، در ۹۲ دلار و ۴۹ سنت در هر بشکه بسته شد، در حالی که قیمت معاملات آتی نفت خام «وست تگزاس اینترمدیت» (WTI) امریکا برای تحویل در ژانویه، با کاهشی جزیی معادل ۰.۱ درصد، در سطح ۸۲ دلار و ۴۰ سنت در هر بشکه بسته شد. برای کل هفته، نفت برنت ۳.۵ درصد و نفت وست تگزاس اینترمدیت ۵.۶ درصد کاهش قیمت داشتند که تحت تاثیر تقویت انتظارات نسبت به مازاد عرضه بوده است. قیمت نفت طی چند روز معاملاتی اخیر در دامنه‌ای محدود نوسان کرده است چراکه پیش‌بینی‌ها از مازاد عرضه در آینده، با تداوم حملات و تنش‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه تلاقی پیدا کرده‌اند. آمارهای اخیر به وجود ذخایر فراوان نفت اشاره دارند و آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) پیش‌بینی کرده است بازارهای نفت خام به زودی با مازاد عرضه مواجه خواهند شد. داده‌ها حاکی از بهبود وضعیت تولید نفت در خاورمیانه است و همزمان، ذخایر نفت خام امریکا نیز افزایش یافته است. وزرای اوپک پلاس در ۲۹ نوامبر (یکشنبه هشتم آذر) سلسله جلساتی را برای تصمیم‌گیری در مورد سیاست تولید خود در سال ۲۰۲۷ برگزار خواهند کرد. این گروه شامل سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و متحدانی مانند روسیه است. آژانس بین‌المللی انرژی، پنجشنبه گذشته اعلام کرد که درگیری‌های خاورمیانه بزرگ‌ترین اختلال در تجارت جهانی نفت و گاز را ایجاد کرده است و اگر دولت‌ها در واکنش به این موضوع، اقدامات مربوط به برقی‌سازی، افزایش بهره‌وری و تغییر سوخت را تسریع کنند، می‌تواند تقاضای جهانی برای نفت را تا سال ۲۰۳۵ بیش از ۴ درصد کاهش دهد. با این حال، برخی تحلیلگران انتظار دارند که ضعف در بازارهای سهام گسترده‌تر، بر قیمت نفت تاثیر بگذارد. معاملات سهام آسیایی در روز جمعه سقوط کرد و بدترین هفته خود را از سال ۲۰۲۰ به این طرف تجربه کرد. براساس گزارش رویترز، تحلیلگران ساکسو در یادداشتی گفتند: «اختلالات عرضه همچنان یک ریسک است، اما نگرانی‌های تقاضای کوتاه‌مدت مرتبط با تجارت هوش مصنوعی و احساسات ریسک‌گریزی گسترده‌تر، بر قیمت‌ها تاثیر می‌گذارد.» براساس داده‌های جدیدی که شرکت خدمات انرژی «بیکر هیوز» روز جمعه منتشر کرد، تعداد کل دکل‌های حفاری فعال نفت و گاز در امریکا، طی هفته گذشته افزایش یافت و به ۶۰۷ حلقه رسید که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۵۳ حلقه بیشتر است. طبق این داده‌ها، تعداد دکل‌های نفتی فعال با ۶ مورد افزایش به ۴۶۹ حلقه رسید که ۵۰ دستگاه بیشتر از مدت مشابه سال قبل است. تعداد دکل‌های گازی نیز با یک مورد افزایش، به تعدادی رسید که تنها یک حلقه بیشتر از همین زمان در سال گذشته است. تعداد دکل‌های متفرقه با یک مورد کاهش، به ۱۰ حلقه رسید. جدیدترین داده‌های اداره اطلاعات انرژی امریکا (EIA) نشان می‌دهد که تولید نفت خام امریکا در هفته منتهی به ۱۳ نوامبر، به ۱۴.۰۳۲ میلیون بشکه در روز رسید و برای چهارمین هفته پیاپی به رکورد جدیدی دست یافت. این رقم نسبت به ۱۴.۰۱۳ میلیون بشکه در روز در هفته پیش از آن و همچنین نسبت به سطح تولید یک سال قبل، افزایش نشان می‌دهد.

گزارش «تعادل» از کابوس تنگه هرمز و عصر جدید انرژی

عبور بی‌بازگشت از مرزهای سنتی نفت و گاز!



بازارهای انرژی جهان دیگر هرگز به آرامش پیش از طوفان بازنخواهند گشت. انتشار گزارش «چشم‌انداز انرژی جهان در سال ۲۰۲۶» از سوی آژانس بین‌المللی انرژی، پرده از حقیقتی تلخ و در عین حال راهگشا برمی‌دارد؛ درگیری‌های اخیر خاورمیانه و بحران بی‌سابقه در تنگه هرمز، بزرگ‌ترین و عمیق‌ترین اختلال تاریخ تجارت جهانی نفت و گاز را رقم زده‌اند؛ تکانه‌ای سخت که نه تنها نقشه عرضه و تقاضا را در کوتاه‌مدت دگرگون کرده، بلکه شالوده‌های گذار انرژی را تا افق ۲۰۳۵ و ۲۰۵۰ میلادی شتابی خیره‌کننده بخشیده است. تنگه هرمز به عنوان شریان حیاتی صادرات کشورهای حوزه خلیج‌فارس و گذرگاه حدود یک پنجم از عرضه جهانی نفت و گاز طبیعی مایع‌شده (ال‌ان‌جی)، سالی پرالتهاب را از سر گذرانده است. برآوردهای رسمی حاکی از آن است که این تنش‌ها و نااطمینانی‌های ژئوپلیتیک، در مجموع ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون بشکه نفت و ۶۰ میلیارد مترمکعب گاز را از سبد عرضه منطقه خلیج‌فارس کسر کرده‌اند. این عدد، فراتر از یک نوسان قیمتی مقطعی، زنگ خطری جدی برای امنیت انرژی کشورهایی است که سال‌ها وابستگی خود را به این شاهراه حیاتی مدیریت نکرده بودند.

براساس سناریوی مبتنی بر سیاست‌های اعلام‌شده کنونی، تقاضای روزانه نفت جهان در سال ۲۰۳۵ میلادی اندکی بیش از ۱۰۱ میلیون بشکه برآورد می‌شد، اما زیر سایه سنگین بحران خاورمیانه و واکنش‌های دفاعی دولت‌ها در حوزه بهره‌وری، برقی‌سازی و تنوع‌بخشی به سبد سوخت، معادله به کلی تغییر کرده است. اگر کشورها شتاب برنامه‌های امن‌سازی انرژی خود را حفظ کنند، تقاضای جهانی نفت در سال ۲۰۳۵ بیش از ۴ درصد (معادل ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز کمتر از سناریوی مرجع) کاهش می‌یابد و به ۹۷ میلیون بشکه در روز می‌رسد؛ روندی نزولی که تا افق ۲۰۵۰ تقاضای روزانه را تا مرز ۸۵ میلیون بشکه عقب خواهد راند. در بخش گاز طبیعی نیز این واژگونی مشهود است؛ به‌طوری که تقاضای گاز در این سناریو بیش از ۳۰۰ میلیارد مترمکعب کمتر از پیش‌بینی‌های قبلی ثبت خواهد شد. در این میان، نقش خودروهای برقی خیره‌کننده است. این ناوگان در حال گسترش، به‌تنهایی جایگزین بیش از ۱۱ میلیون بشکه نفت از تقاضای روزانه جهان تا سال ۲۰۳۵ خواهد شد. تحلیل این تحولات نشان می‌دهد که روند «برقی کردن» در بخش‌های وسیعی از حمل‌ونقل، گرمایش و صنایع، اکنون در نقطه مزیت اقتصادی و رقابتی قرار گرفته است. دولت‌ها به‌جای تحمل ریسک سنگین واردات سوخت‌های فسیلی، ایجاد ظرفیت‌های تولید داخلی برق را به عنوان سنگ‌بنای امنیت ملی خود برگزیده‌ام. براساس داده‌های این گزارش، سهم برق در مصرف نهایی انرژی جهان از ۲۳ درصد کنونی، به حدود ۳۰ درصد در سال ۲۰۳۵ بالغ خواهد شد. با این همه، مسیر گذار فاقد مانع نیست. افت توان شبکه‌های انتقال، محدودیت زیرساخت‌های شارژ و چالش‌های تأمین پایدار انرژی، از مهم‌ترین موانع این شتاب به‌شمار می‌روند. نکته جالب توجه در سبد مصرف جدید برق، ظهور پیشران‌های نوظهور است. افزون بر اشتهاسیری ناپذیر مراکز داده، تقاضا برای سرمایش و تهویه مطبوع در ساختمان‌ها تحت تأثیر گرمایش زمین و افزایش درآمدها برای نخستین بار در تاریخ از تقاضای گرمایش پیشی گرفته و به یکی از قدرتمندترین محرک‌های مصرف برق تبدیل شده است. برای اقتصادهایی که شریان حیاتی‌شان بر پایه درآمدهای نفت و گاز استوار است، پیام گزارش جدید آژانس بین‌المللی انرژی صریح و بدون تعارف است: بازارهای سنتی انرژی در حال کوچک‌شدن و مقاوم‌تر شدن در برابر شوک‌ها هستند. هرچه تنش‌ها و اختلالات ژئوپلیتیک طولانی‌تر شوند، انگیزه مصرف‌کنندگان بزرگ برای قطع وابستگی، سرعت بیشتری به خود می‌گیرد. بازیگران صنعت انرژی امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازنگری در راهبردهای کلان، بهینه‌سازی زنجیره ارزش و آماده‌سازی برای دنیایی هستند که در آن تقاضای هیدروکربن‌ها مسیری روبه‌افق‌های پایین‌تر را برای همیشه انتخاب کرده است.

ذخایر سدهای تهران به ۳۶۴ میلیون مترمکعب رسید؛ لار فقط ۲ درصد آب دارد

آخرین آمار وضعیت سدهای تهران نشان می‌دهد ذخایر مخازن به ۳۶۴ میلیون مترمکعب رسیده است. به گزارش تسنیم، پنج سد امیرکبیر، لتیان، طالقان، ماملو و لار از منابع اصلی تأمین آب تهران به‌شمار می‌روند. بررسی آخرین وضعیت مخازن این سدها نشان می‌دهد مجموع ذخایر آبی آنها به ۳۶۴ میلیون مترمکعب رسیده است. هرچند موجودی مخازن هر پنج سد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته، مقایسه آمارها با وضعیت ۱۰ سال گذشته نشان می‌دهد چهار سد همچنان با کاهش ذخایر مواجهند. در این میان، سد طالقان بیشترین حجم آب ذخیره‌شده را دارد، اما سد امیرکبیر از نظر درصد پرشدگی مخزن در وضعیت بهتری قرار گرفته است. در مقابل، سد لار با تنها ۲ درصد پرشدگی، پایین‌ترین وضعیت را میان پنج سد مورد بررسی دارد. سد امیرکبیر (کرج) با ۱۲۷ میلیون مترمکعب ذخیره آبی، دومین سد از نظر حجم آب موجود در میان پنج سد تأمین‌کننده آب تهران است. براساس آمار ارایه‌شده، ۷۱ درصد ظرفیت این مخزن پر است و امیرکبیر بالاترین درصد پرشدگی را در میان سدهای مورد بررسی دارد. موجودی سد امیرکبیر نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۱۷۳ درصد افزایش یافته و در مقایسه با وضعیت ۱۰ سال گذشته نیز ذخایر آبی این سد ۴۲ درصد بیشتر شده است. به این ترتیب، امیرکبیر تنها سد از میان پنج سد مخزن اصلی تأمین آب تهران است که در مقایسه با یک دهه قبل افزایش ذخایر را ثبت کرده است.

سد لتیان با ۲۸ میلیون مترمکعب ذخیره آبی، از نظر حجم آب موجود پس از سدهای طالقان، امیرکبیر و ماملو قرار دارد. براساس آمار ارایه‌شده، میزان پرشدگی این سد ۳۷ درصد است که در کنار سد طالقان، دومین درصد بالای پرشدگی را میان پنج سد تهران به خود اختصاص می‌دهد. موجودی سد لتیان نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳۳۶ درصد افزایش یافته است، اما همچنان ۹ درصد پایین‌تر از سطح ذخایر ثبت‌شده در ۱۰ سال گذشته قرار دارد. این اختلاف نشان می‌دهد با وجود رشد قابل توجه ذخایر در مقایسه سالانه، موجودی مخزن هنوز به سطح یک دهه قبل نرسیده است. سد لار با ۲۲ میلیون مترمکعب ذخیره آبی، پایین‌ترین حجم ذخایر را در میان پنج سد اصلی تأمین‌کننده آب تهران دارد. براساس آمار ارایه‌شده، این سد تنها ۲ درصد پرشدگی دارد و از نظر نسبت آب موجود به ظرفیت مخزن نیز در پایین‌ترین جایگاه قرار گرفته است. موجودی سد لار نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۸۲ درصد افزایش یافته، اما همچنان ۵۰ درصد کمتر از سطح ذخایر ثبت‌شده در ۱۰ سال گذشته است. بنابراین، افزایش ذخایر این سد در مقایسه با سال گذشته به‌معنای بهبود قابل توجه وضعیت مخزن نیست و درصد بسیار پایین پرشدگی همچنان از وضعیت نامطلوب ذخایر آن حکایت دارد. سد ماملو با ۳۲ میلیون مترمکعب ذخیره آبی، از نظر حجم آب موجود پس از سدهای طالقان و امیرکبیر قرار دارد. این میزان معادل ۱۳ درصد ظرفیت مخزن است و ماملو از نظر درصد پرشدگی در جایگاه چهارم میان پنج سد تهران قرار می‌گیرد. ذخایر سد ماملو نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۸۱ درصد افزایش یافته، اما در مقایسه با وضعیت ۱۰ سال گذشته ۷۰ درصد کاهش داشته است. ماملو از نظر فاصله موجودی فعلی با سطح ذخایر یک دهه قبل، بیشترین کاهش را میان پنج سد ثبت کرده است؛ موضوعی که وضعیت این مخزن را در مقایسه بلندمدت قابل توجه می‌کند. سد طالقان با ۱۵۵ میلیون مترمکعب ذخیره آبی، بیشترین حجم آب موجود را در میان پنج سد اصلی تأمین‌کننده آب تهران دارد. براساس آمار ارایه‌شده، میزان پرشدگی این مخزن ۳۷ درصد است و از این نظر پس از سد امیرکبیر در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. با وجود برخورداری از بیشترین حجم ذخیره آب، موجودی سد طالقان نسبت به مدت مشابه سال گذشته تنها ۱۰ درصد افزایش یافته است. همچنین ذخایر این سد در مقایسه با وضعیت ۱۰ سال گذشته ۳۲ درصد کاهش داشته است. بنابراین، اگرچه طالقان از نظر حجم آب موجود در صدر سدهای مورد بررسی قرار دارد، ذخایر آن همچنان با سطح ثبت‌شده در یک دهه قبل فاصله دارد. مجموع موجودی پنج سد امیرکبیر، لار، ماملو، طالقان و لتیان به ۳۶۴ میلیون مترمکعب می‌رسد. در میان این مخازن، طالقان با ۱۵۵ میلیون مترمکعب بیشترین حجم ذخیره و امیرکبیر با ۷۱ درصد، بالاترین میزان پرشدگی را دارد. در مقابل، سد لار با ۲ درصد و ماملو با ۱۳ درصد، پایین‌ترین درصد پرشدگی را ثبت کرده‌اند. از نظر تغییرات سالانه، ذخایر هر پنج سد افزایش یافته است، اما مقایسه با وضعیت ۱۰ سال گذشته نشان می‌دهد موجودی چهار سد لار، طالقان، لتیان و ماملو همچنان پایین‌تر از سطح ثبت‌شده در آن دوره قرار دارد.

جمع‌آوری کارت‌های آزاد جایگاه‌ها مصرف بنزین را ۱۰ درصد کاهش داد

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران از کاهش میانگین ۱۰ درصدی مصرف بنزین در ۱۱ استان کشور با اجرای طرح جمع‌آوری کارت‌های آزاد جایگاه‌ها خبر داد و گفت: در این طرح، سهمیه سوخت مردم محدود نمی‌شود، بلکه دسترسی عادلانه‌تری به سوخت فراهم می‌شود. به گزارش ایسنا، محمدصادق عظیمی‌فر درباره اجرای طرح جمع‌آوری کارت اضطراری (آزاد) جایگاه‌ها در ۱۱ استان اظهار کرد: در این برنامه سهمیه مصرف سوخت محدود نشده، بلکه سهمیه‌ای که پیش‌تر از طریق کارت آزاد جایگاه‌ها در دسترس بود، به کارت سوخت شخصی افراد منتقل شده است. با اجرای این طرح، دسترسی عادلانه‌تری به سوخت فراهم می‌شود و قاچاقچیانی که از کارت‌های آزاد و اضطراری جایگاه‌ها سوءاستفاده می‌کنند، نمی‌توانند به حقوق مردم دست‌اندازی کنند.

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران با اشاره به اینکه برخی گروه‌های شغلی و شهروندان به دلایل مختلف به سوخت بیشتری نیاز دارند، ادامه داد: برای نمونه، معلمانی در حاشیه برخی شهرها فعالیت می‌کنند که برای رفت‌وآمد به محل تدریس به سوخت بیشتری نیاز دارند. همچنین در استان‌های جنوبی، شماری از صیادان فاقد مجوز از کارت آزاد جایگاه‌ها استفاده می‌کردند و موارد مشابه دیگری نیز وجود دارد. عظیمی‌فر با بیان اینکه برای این گروه‌های خاص گام‌به‌گام سازوکار تخصیص سهمیه جبرانی در نظر گرفته شده است، گفت: با همکاری اصناف و متولیان مربوط، سهمیه‌های جبرانی متناسب با میزان فعالیت و کارکرد افراد تخصیص داده می‌شود. وی درباره ناوگان حمل‌ونقل اینترنتی توضیح داد: در این زمینه نشست‌های متعددی برگزار و مقرر شد در سه پلکان ۱۰۰، ۲۰۰ و ۳۰۰ لیتری، سهمیه‌ای افزون بر ۱۶۰ لیتر سهمیه پایه به این ناوگان اختصاص یابد. معاون وزیر نفت به نشست با دو سکوی اصلی فعال در حوزه حمل‌ونقل اینترنتی اشاره و تصریح کرد: نمایندگان این سکوها براساس بازخوردهای دریافتی، اعلام کردند اگر یک گروه دیگر نیز به مجموعه مشمولان اضافه شود، مشکل آنها برطرف خواهد شد. این موضوع نیز پیگیری و مجوزهای لازم دریافت شد و در حال اعمال این اصلاح هستیم تا ناوگان حمل‌ونقل عمومی فعال در سکوهای اینترنتی با مشکل روبرو نشود. عظیمی‌فر درباره ساماندهی سوخت موردنیاز صیادان گفت: برای ساماندهی قایق‌های فاقد هویت یا مجوز نیز سازوکاری تعیین شد تا نیاز سوختی این گروه پوشش داده و مشکلات آنها نیز برطرف شود. وی ادامه داد: در برخی مشاغل خاص مانند معلمان و کادر درمان نیز اختیاراتی به استانداری‌ها داده شده است تا براساس اطلاعات دریافتی از دستگاه‌های متولی، سهمیه جبرانی موردنیاز این گروه‌ها را تخصیص دهند. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران با اشاره به برنامه‌های توسعه زیرساخت‌های سوخت جایگزین گفت: توسعه زیرساخت‌های سی‌ان‌جی و تبدیل رایگان خودروها به دوگانه‌سوز در دستور کار قرار دارد و در برخی استان‌ها این برنامه‌ها در حال اجراست تا سی‌ان‌جی در کنار بنزین به عنوان سوخت جایگزین در اختیار مردم قرار گیرد.

عظیمی‌فر با بیان اینکه برای گروه‌های خاصی که ممکن است به دلایل مختلف به سوخت بیشتری نیاز داشته باشند و محدودیت مالی نیز نداشته باشند، امکان دسترسی به بنزین سوپر فراهم شده است، افزود: بنزین سوپر تولید داخل در بیش از ۸۰ جایگاه در ۱۸ استان کشور توزیع شده که تمرکز اصلی آن در استان‌های مشمول اجرای طرح بوده است. وی درباره تمهیدهای در نظر گرفته شده برای مسیرهای مواصلاتی کشور بیان کرد: تلاش شده است در مسیرهای اصلی مواصلاتی، کارت‌های آزاد جایگاه‌ها جمع‌آوری نشوند. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران ادامه داد: در برخی استان‌ها سازوکاری پیش‌بینی شده تا افرادی که سهمیه‌شان به پایان رسیده است، با مراجعه و پس از انجام مراحل صحه‌گذاری بتوانند سوخت‌گیری کنند. عظیمی‌فر تاکید کرد: مجموعه این اقدام‌ها با هدف حمایت از گروه‌هایی انجام می‌شود که ممکن است به دلایل شغلی یا شرایط خاص، نیاز بیشتری به مصرف سوخت داشته باشند تا سهمیه موردنیاز آنها به‌صورت سازمان‌یافته و نظام‌مند تخصیص یابد. وی درباره نتایج اجرای این طرح در ۱۱ استان کشور گفت: با اجرای این طرح به‌طور میانگین حدود ۱۰ درصد کاهش مصرف بنزین محقق شده است. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران با بیان اینکه اجرای این طرح از مردادامسال در استان کرمان آغاز شده و سپس به دیگر استان‌ها گسترش یافته است، افزود: بی‌شک با دریافت بازخورد از مردم و گروه‌های مختلف، اشکالات احتمالی شناسایی و برطرف می‌شود تا اجرای طرح به‌شکل مطلوب‌تری ادامه یابد. عظیمی‌فر تاکید کرد: اجرای این طرح در حالی به کاهش واردات میلیاردها دلاری فرآورده منجر می‌شود که این منابع ارزی می‌تواند برای واردات دارو و کالاهای اساسی هزینه شود و نیازهای اولویت‌دار زندگی و معیشت مردم را تأمین کند.

ادامه از صفحه ۲

وعده کاهش تورم به کانال ۴۰ درصد در ۶ تا ۹ ماه

وعده عبور از تاب‌آوری به پادشکنندگی

یکی از مفاهیم محوری در سخنان وزیر اقتصاد، عبور از رویکرد تاب‌آوری و حرکت به سمت پادشکنندگی بود. مدنی‌زاده با اشاره به فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های ایجادشده، گفت: «دولت به‌جای تمرکز صرف بر مفهوم تاب‌آوری، رویکرد «پادشکنندگی» را در پیش گرفته است.» او این رویکرد را به معنای استفاده از شرایط دشوار برای شناسایی ایرادات و اصلاح ساختارهای اقتصادی توصیف کرد. وی در همایش بازار سرمایه نیز با اشاره به پایداری مالی دولت اظهار کرد: «امسال بدون ایجاد کسری بودجه‌ای که بخواهیم آن را به بانک مرکزی تحمیل کنیم، سپری شد.» او همچنین از اصلاح بازار بدهی و ادامه اقدامات برای حل ناترازی بانکی سخن گفت و تأکید کرد که کسری بودجه دولت به بانک مرکزی تحمیل نشده است. «ثبات اقتصادی زمانی محقق می‌شود که تورم در کانال تک‌رقمی قرار بگیرد.» این هدف، افق بلندمدت‌تری را برای سیاست‌های اقتصادی دولت ترسیم می‌کند؛ افقی که تحقق آن به مهار پایدار تورم، اصلاح ناترازی‌ها، تقویت سرمایه‌گذاری و افزایش بهره‌وری وابسته است.

آزمون تحقق وعده‌ها

مجموع اظهارات وزیر اقتصاد تصویری از برنامه دولت در چند محور اصلی ارایه می‌دهد: کاهش تورم، حفظ تجارت خارجی، حمایت از اشتغال، جبران خسارت بنگاه‌ها، تسهیل گمرکات، افزایش کارآمدی نظام مالیاتی و اصلاح بازار سرمایه. در این میان، وعده بازگشت تورم نقطه‌به‌نقطه به کانال ۴۰ درصد طی شش تا ۹ ماه آینده، مهم‌ترین هدفی است که مستقیماً با وضعیت معیشتی خانوارها ارتباط دارد. آمارهای اعلام‌شده درباره کاهش رشد ماهانه نقدینگی، نصف شدن رشد ماهانه سبد مصرفی خانوار، کاهش افت تجارت از حدود ۴۰ به ۲۰ درصد و حمایت از اشتغال بیش از ۳۰۰ هزار نفر، بخش مهمی از استدلال دولت برای امیدوار بودن به بهبود شرایط اقتصادی است.

با این حال، سنجش نتیجه این برنامه‌ها به مشاهده آثار آنها در شاخص‌های رسمی و زندگی روزمره مردم وابسته خواهد بود. در نهایت، وعده کاهش تورم به کانال ۴۰ درصد و سپس ۳۰ درصد زمانی می‌تواند به نقطه اتکای انتظارات اقتصادی تبدیل شود که روند کاهشی قیمت‌ها استمرار پیدا کند و شوک‌های جدید آن را متوقف نکنند. خود وزیر اقتصاد نیز تحقق این هدف را به شرایط پیش‌رو وابسته دانسته است. بنابراین، آزمون اصلی برنامه دولت نه در اعلام هدف‌ها، بلکه در تبدیل این وعده‌ها به ثبات پایدار، قدرت خرید بیشتر و امکان پیش‌بینی‌پذیرتر شدن فعالیت اقتصادی خواهد بود.

وقتی رهبر انقلاب تصمیمی می‌گیرند همه باید برای اجرایش کمک کنیم

ما اهل وعده‌های دروغین نیستیم و نمی‌خواهیم بگوییم اوضاع کشور بسیار خوب است؛ واقعیت این است که اوضاع ما چندان خوب نیست، اما این به معنای آن نیست که نمی‌توانیم شرایط را مدیریت کنیم. ابتدا باید بپذیریم که گرفتاری و مشکل داریم و سپس برای حل آن بنشینیم و برنامه‌ریزی کنیم، نه اینکه غیرواقعی بگوییم همه‌چیز خوب است. باید واقعیت را درست ببینیم و برای آن راه‌حل پیدا کنیم.

امروز زمان اختلاف و دعوا نیست

رییس جمهوری با تأکید بر ضرورت وحدت و همدلی در شرایط کنونی کشور گفت: امروز زمان دعوا و اختلاف نیست، بلکه همه باید دست به دست هم دهیم و در مقابل مجموعه‌ای از قدرت‌های گردن‌کلفت در دنیا که به دنبال ساقط کردن و تجزیه ایران هستند، بایستیم. وی در بخشی از سخنان خود با انتقاد از پرخاشگری و تمسخر دیدگاه‌های دیگران در جلسات اظهار کرد: اگر قرار باشد با یکدیگر پرخاش کنیم، به جای نقد کردن، یکدیگر را مسخره کنیم و به همدیگر ایراد بگیریم، مشکلاتی که میان ما وجود دارد به‌راحتی قابل طرح است؛ اما امروز زمان چنین رفتارهایی نیست و باید به یکدیگر کمک کنیم. اکنون وقت دعوا کردن نیست افزود: اگر قرار باشد به یکدیگر گیر دهیم، خیلی چیزها هست که می‌توان گیر داد.

وقتی رهبر انقلاب تصمیمی می‌گیرند همه باید برای اجرای آن کمک کنیم

پزشکیان با بیان اینکه عبور از شرایط فعلی تنها با وحدت و همدلی امکان‌پذیر است، بیان کرد: باید در مقابل مجموعه گردن‌کلفت‌هایی که در دنیا به دنبال ساقط کردن و تکه‌تکه کردن ایران هستند، مشت محکمی بر دهان یاوه‌گویان بزنیم و این مهم با وحدت محقق می‌شود، نه با اختلاف و دعوا. طبیعی است که نظرات من ممکن است با دیدگاه بسیاری از افراد هماهنگ نباشد. حتی در یک خانواده نیز ممکن است برادران نظرات متفاوتی داشته باشند، اما وقتی رهبر انقلاب تصمیمی می‌گیرند، مجلس قانونی تصویب می‌کند و دولت مقرراتی را تنظیم می‌کند، همه باید برای اجرای آن کمک کنیم. هر جا نیز در مسیر اجرا مشکلی وجود داشته باشد، خود را موظف می‌دانیم برای حل آن اقدام کنیم و ان‌شاءالله این مسیر را با قدرت ادامه خواهیم داد. رییس جمهوری با اعلام آمادگی دولت برای همکاری با فعالان و صاحب‌نظران اقتصادی اظهار کرد: از عزیزانی که در حوزه اقتصاد فعالیت می‌کنند انتظار دارم با یکدیگر بنشینند و گفت‌وگو کنند؛ ما نیز برای هر کاری که از دستمان برآید، در خدمت هستیم.

ادامه از صفحه اول

ناترازی گاز؛ بحران مصرف یا شکست سرمایه‌گذاری؟

میزان هدررفت گاز در کشور بسیار بالاست و ایران روزانه حجم قابل توجهی از منابع خود را بدون بازده اقتصادی مناسب مصرف می‌کند. این وضعیت در شرایطی رخ می‌دهد که کشور با کمبود گاز مواجه است و صنایع، نیروگاه‌ها و بخش خانگی برای تامین سوخت مورد نیاز خود با محدودیت روبه‌رو هستند. بنابراین نمی‌توان از یک سو درباره کمبود گاز سخن گفت و از سوی دیگر، نسبت به هدررفت گسترده منابع بی‌تفاوت بود. ناترازی گاز در واقع حاصل فاصله میان ظرفیت تولید و میزان مصرف است؛ اما این فاصله زمانی عمیق‌تر می‌شود که سرمایه‌گذاری کافی برای افزایش تولید، توسعه میادین، نوسازی تاسیسات و کاهش هدررفت صورت نگیرد. اولویت اصلی کشور باید سرمایه‌گذاری در میدان‌های گازی باشد. بی‌توجهی به این ضرورت باعث شده ایران در توسعه میدان مشترک پارس جنوبی از قطر عقب بماند؛ در حالی که قطر با استفاده از ظرفیت‌های این میدان به یک بازیگر مهم جهانی در حوزه انرژی تبدیل شده است. این مقایسه نشان می‌دهد که منابع طبیعی به تنهایی نمی‌توانند ضامن توسعه باشند. برخورداری از ذخایر عظیم گاز زمانی به مزیت اقتصادی و سیاسی تبدیل می‌شود که سرمایه‌گذاری، فناوری، مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب در کنار آن قرار گیرد. در غیر این صورت، کشور ممکن است همزمان با داشتن منابع گسترده، در تامین نیازهای داخلی خود با بحران مواجه شود و فرصت‌های صادراتی و صنعتی را نیز از دست بدهد. در چنین شرایطی، راه‌حل اصلی سرمایه‌گذاری است. برای اصلاح ناترازی گاز راه‌های متعدد و کوتاه‌مدت وجود ندارد و باید منابع لازم برای توسعه تولید و بهینه‌سازی مصرف فراهم شود. افزایش سرمایه‌گذاری در میدان‌های گازی، تعمیر و بازسازی پالایشگاه‌ها، توسعه شبکه انتقال، کاهش نشتی و هدررفت و ارتقای فناوری، بخشی از اقداماتی است که می‌تواند به بهبود وضعیت کمک کند. البته سرمایه‌گذاری در صنعت گاز بدون اصلاح ساختار اقتصادی و مدیریتی کشور امکان‌پذیر نیست. زمانی که دولت با محدودیت منابع مواجه است، تامین سرمایه برای پروژه‌های بزرگ انرژی دشوار می‌شود. از سوی دیگر، وجود رانت و تخصیص غیرشفاف منابع، ظرفیت‌های اقتصادی کشور را کاهش می‌دهد. منابعی که باید صرف توسعه میدان‌های گازی و زیرساخت‌های انرژی شود، نباید در مسیر منافع گروه‌های خاص قرار گیرد. مساله دیگر، اصلاح الگوی مصرف است. افزایش تولید به تنهایی نمی‌تواند ناترازی را برای همیشه حل کند، زیرا اگر رشد مصرف بدون برنامه ادامه پیدا کند، ظرفیت‌های جدید نیز در مدت کوتاهی جذب خواهد شد. اصلاح الگوی مصرف در بخش خانگی، صنعتی و نیروگاهی، افزایش بهره‌وری تجهیزات، عایق‌سازی ساختمان‌ها و واقعی‌تر شدن رابطه میان مصرف و هزینه، باید در دستور کار قرار گیرد. گاز نباید صرفا به عنوان سوختی برای مصرف روزمره دیده شود. این منبع می‌تواند در صنایع پتروشیمی، فولاد، نیروگاه‌ها و زنجیره‌های تولیدی به ارزش افزوده تبدیل شود. اگر گاز بدون برنامه مصرف یا هدر داده شود، کشور نه تنها از درآمد صادراتی محروم می‌شود، بلکه فرصت توسعه صنعتی و ایجاد اشتغال را نیز از دست می‌دهد. زمستان پیش‌رو می‌تواند هشداری جدی برای سیاستگذاران باشد. بازگشت بخشی از ظرفیت از دست رفته پالایشگاه‌ها ضروری است، اما کافی نیست. عبور از بحران گاز نیازمند برنامه‌ای بلندمدت برای سرمایه‌گذاری، اصلاح مصرف، مقابله با رانت و تبدیل منابع انرژی به ارزش افزوده است. در غیر این صورت، ناترازی گاز از یک مشکل فصلی فراتر می‌رود و به مانعی دایمی برای رشد اقتصادی کشور تبدیل خواهد شد.

بازار سهام در آستانه تغییر جریان

انتشار این گزارش‌ها می‌تواند توجه فعالان بازار را بیش از گذشته به عملکرد واقعی شرکت‌ها، میزان رشد درآمد و تحقق انتظارات سودآوری معطوف کند. در چنین شرایطی، شرکت‌هایی که از افزایش مناسب فروش، رشد نرخ محصولات و عملکرد عملیاتی مطلوب‌تری برخوردار بوده‌اند، شانس بیشتری برای جلب توجه سرمایه‌گذاران خواهند داشت. بنابراین با انتشار گزارش‌های ماهانه، احتمال دارد مسیر معاملاتی برخی نمادها از سایر شرکت‌ها جدا شود و اهمیت تحلیل بنیادی در انتخاب سهام پیشرو افزایش پیدا کند. بر این اساس، می‌توان برای هفته آینده بازاری مثبت، اما همراه با عرضه و نوسان پیش‌بینی کرد. تداوم تقاضا در سهام کوچک و متوسط، حفظ ارزش معاملات در محدوده بالای ۳۵ تا ۴۰ همت، ثبات نسبی شرایط سیاسی و کیفیت گزارش‌های فروش آبان‌ماه، چهار عامل اصلی تعیین‌کننده مسیر بورس خواهند بود. به نظر می‌رسد بازار در روزهای آینده به تدریج از فضای عمومی معاملات و صرفا جریان نقدینگی فاصله بگیرد و با انتشار گزارش‌های ماهانه، تمرکز بیشتری بر عملکرد واقعی شرکت‌ها و ظرفیت سودآوری صنایع داشته باشد. در چنین فضایی، نمادهایی که پشتوانه بنیادی قوی‌تری دارند، می‌توانند جایگاه بهتری در میان گزینه‌های مورد توجه سرمایه‌گذاران پیدا کنند.

افزایش نرخ سود؛ مهار تورم بدون آسیب به تولید

یکی از مشکلاتی که در سال‌های گذشته در عملکرد برخی بانک‌ها مشاهده شده، ورود آنها به خرید و نگهداری املاک با هدف کسب سود از افزایش قیمت دارایی‌ها بوده است؛ حتی در دوره‌هایی که بازار مسکن و املاک در رکود قرار داشته است. چنین رفتاری منابع بانکی را از چرخه تامین مالی تولید خارج می‌کند و به انجماد دارایی‌های بانک‌ها می‌انجامد. بنابراین اقدام بانک مرکزی برای وادار کردن بانک‌ها به فروش املاک مازاد و جلوگیری از ورود آنها به فعالیت‌های دلالی، بخشی ضروری از اصلاح نظام بانکی است. در نهایت، کنترل تورم به سیاستی متوازن نیاز دارد؛ سیاستی که هم انضباط پولی و نظارت بر بانک‌ها را دنبال کند و هم مانع تحمیل هزینه‌های بیشتر به بخش تولید شود. افزایش نرخ سود، بدون اصلاح رفتار بانک‌ها و ساماندهی تخصیص منابع، ابزار کافی برای مهار تورم نیست. مساله اصلی فقط جمع‌آوری پول از اقتصاد نیست، بلکه باید اطمینان حاصل کرد منابع بانکی به جای انجماد در دارایی‌های غیرمولد، به سمت تولید و فعالیت‌های اقتصادی هدایت می‌شوند.

ادامه از صفحه اول

اقتصاد ایران و ارزهای دیجیتال طلا و ارز

در واقع، هدف اصلی این فناوری حذف طلا نیست، بلکه تلاش می‌کند مالکیت و جابه‌جایی طلا را با نیازهای اقتصاد دیجیتال هماهنگ کند. بخش بزرگی از ارزش بسیاری از رمزارزها به اعتماد بازار و میزان عرضه و تقاضا وابسته است. اما در ارز دیجیتال طلا، پشتوانه فیزیکی می‌تواند یک تفاوت مهم ایجاد کند. البته نباید تصور کرد که هر توکنی که نام «طلا» را همراه خود دارد، الزاما امن و قابل اعتماد است. سرمایه‌گذار باید بررسی کند که: آیا واقعا طلا به عنوان پشتوانه وجود دارد؟ طلا در کجا نگهداری می‌شود؟ آیا ذخایر به صورت مستقل بررسی یا حسابرسی می‌شوند؟ آیا امکان بازخرید یا تبدیل توکن وجود دارد؟ صادرکننده چه میزان اعتبار و سابقه دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها گاهی حتی از بررسی نمودار قیمت نیز مهم‌تر است. حال باید دید آینده طلای دیجیتال چگونه رقم می‌خورد؟ بازار دارایی‌های توکنیزه‌شده در حال گسترش است و طلا یکی از مناسب‌ترین دارایی‌ها برای ورود به این حوزه به نظر می‌رسد، زیرا برخلاف بسیاری از دارایی‌های جدید، طلا پیش از ورود به دنیای دیجیتال نیز سابقه‌ای طولانی در اقتصاد جهانی داشته است. با افزایش علاقه بازارهای مالی به دارایی‌های واقعی توکنیزه‌شده، احتمالا نقش ارزهای دیجیتال با پشتوانه طلا نیز پررنگ‌تر خواهد شد. با این حال، آینده این بازار به چند عامل مهم بستگی دارد: شفافیت ذخایر، قوانین و مقررات، امنیت پلتفرم‌ها و اعتماد سرمایه‌گذاران. ارز دیجیتال طلا را نمی‌توان جایگزین همه رمزارزها دانست، اما این دارایی یک تفاوت مهم با بسیاری از آنها دارد: پشتوانه آن به یک دارایی واقعی و شناخته‌شده متصل است. در شرایطی که نوسان‌های شدید بازار رمزارزها همچنان ادامه دارد و سرمایه‌گذاران به دنبال گزینه‌هایی با ریسک متعادل‌تر هستند، طلای دیجیتال می‌تواند برای بخشی از سرمایه‌گذاران گزینه قابل بررسی باشد. شاید بتوان آینده این بازار را این گونه توصیف کرد: طلا همان طلاست، اما روش مالکیت و استفاده از آن در حال تغییر است. اگر فناوری بلاک‌چین بتواند شفافیت و دسترسی را افزایش دهد و همزمان اعتماد به پشتوانه واقعی حفظ شود، طلای دیجیتال می‌تواند به یکی از مهم‌ترین نقاط اتصال اقتصاد سنتی و اقتصاد دیجیتال تبدیل شود.